

بررسی رابطه مالکیت سرمایه اجتماعی و الگوهای گذران اوقات فراغت

مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز

دکتر محمدتقی ایمان^۱، علی روحانی^۲

چکیده

امروزه در درون جوامع جدید، فرایند تمایز گزاری و «تمیز» سبک‌های زندگی متفاوت بین افراد و گروه‌ها، دیگر نه به وسیله پایگاه موروثی اجتماعی/اقتصادی/سیاسی، بلکه بیشتر بر اساس قدرت انتخاب در مصرف انواع کالاهای مادی و معنوی، صورت می‌گیرد. در این میان یکی از عواملی که موجب این قدرت انتخاب در مصرف می‌شود، مالکیت سرمایه‌های متفاوت در فضای نابرابر اجتماعی است. افراد با داشتن سرمایه‌های متفاوت، به شیوه‌های متفاوتی سبک زندگی و به تبع آن الگوهای گذران اوقات فراغت خود را شکل می‌دهند. مالکیت سرمایه اجتماعی نیز به همین شکل سبک زندگی و گذران اوقات فراغت افراد را شکل می‌دهد. پژوهش حاضر در این مسیر سعی نموده است به بررسی تجربی این مدعای نظری (طرح تحلیلی پی‌یر بوردیو) بپردازد. به همین دلیل «میدان دانشگاه شیراز» به عنوان یک میدان علمی/اجتماعی انتخاب شد و ۴۳۰ نفر از دانشجویان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که هرچند میزان سرمایه اجتماعی در دسترس دانشجویان در هر دو بعد سرمایه اجتماعی غیررسمی و رسمی در وضعیت متوسط و پایین قرار دارد، اما سرمایه اجتماعی غیررسمی تنها با الگوهای فراغتی فردگرایانه رابطه معناداری داشته است، در حالی که سرمایه اجتماعی رسمی هم با الگوهای فراغتی فردگرایانه و هم با الگوهای فراغتی جمع‌گرایانه رابطه معنی‌دار داشته است. نتایج تحقیق در پایان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و راهکارهای عملی ارائه گردید.

واژگان کلیدی: الگوهای گذران اوقات فراغت، الگوهای فراغتی جمع‌گرایانه، الگوهای فراغتی فردگرایانه، سرمایه اجتماعی غیر رسمی و رسمی، سبک زندگی.

۱. استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه شیراز، ایمیل: iman@shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی در دانشگاه شیراز، ایمیل: aliruhani@gmail.com

مقدمه

دورکیم با تقسیم‌بندی جوامع به ارگانیکی و مکانیکی، شاید اولین جامعه‌شناسی باشد که به صورت غیرمستقیم بر تمایز و تفاوت اشاره کرده است. در جوامع مکانیکی (جوامع سنتی)، تقسیم کار ساده است و تفاوت‌های فکری، سلیقه‌ای، اجتماعی، فردی و ... بین افراد وجود ندارد و به طور کلی حرکت و جابه‌جایی معنایی نداشته است. اما با افزایش جمعیت، شدت مهاجرت (انواع مهاجرت) و پیشرفت وسایل ارتباطی و حمل و نقل (پورجیلی و سرایی، ۱۳۸۶: ۹۶)، جوامع به سمت جوامع ارگانیکی حرکت می‌کنند (جوامع امروزی). در جامعه مکانیکی هر جزء و واحد در جمع حل می‌شد و داشتن هویت و منش شخصی برای هر فرد معنایی نداشت. اما در جوامع ارگانیکی است که فرد هویت شخصی و منحصر به فرد پیدا می‌کند و انتخاب و عاملیت افراد معنا می‌یابد. در اینجاست که همبستگی اجتماعی بر اساس تفاوت‌پذیری افراد شکل می‌گیرد و تمایز و گروه‌بندی‌های اجتماعی و فردی شکل یافته و سبک‌های متفاوت زندگی سر بر می‌آورند (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۹۱-۱۸۸؛ رفعت‌جاه، ۱۳۸۶؛ منادی، ۱۳۸۸؛ ربانی و شیرینی، ۱۳۸۸).

در چنین بستری، به ویژه بعد از دهه هشتاد میلادی، با گسترش فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نظیر ماهواره، اینترنت و گسترش شبکه‌های ارتباطی در جهان، فرهنگ مدرن در جهان گسترش پیدا کرد. با فرایند جهانی شدن، شبکه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها با اینکه فرایند یکسان‌سازی فرهنگ جهانی را دنبال می‌کردند (خواجه‌نوری، ۱۳۸۴: ۶-۷)، اما در عین حال موجب خلق تمایزات گوناگون میان مردم شدند. افراد با ایجاد تمایز، سعی در متفاوت نشان دادن خود از دیگری داشتند. این امر با مصرف کردن (کالاهای مادی و معنوی) نمود عینی‌تری به خود گرفت و ادبیات جدیدی تحت عنوان سبک زندگی وارد عرصه جامعه‌شناسی شد (اباذری، چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶-۷).

انتخاب نوع خاصی از سبک زندگی منجر به شکل دادن حوزه فردی و عمومی هر فردی می‌شود. در واقع سبک زندگی افراد نحوه گذران اوقات فراغت آنها را مشخص می‌نماید. به بیان دیگر افراد با مصرف فراغت‌های مختلف، از نوع پوشش متفاوت تا ترجیحات غذایی در حوزه فردی تا عضویت در گروه‌های مختلف اجتماعی، کسب موفقیت، گردش، موسیقی، مصرف رسانه‌ای و ... سعی می‌کنند میان خود و دیگران تمایزگذاری کنند (خواجه‌نوری، ۱۳۸۸).

علاوه بر این موارد، طولانی شدن دوره جوانی و نوجوانی، رواج شیوه‌های جدید رفتار اجتماعی برای پرکردن فضای زندگی، فردی شدن و کم‌رنگ شدن شکاف‌های متداول اجتماعی، اهمیت یافتن سیاست زندگی بر اساس ترجیحات فراغتی متفاوت برای جوانان، از هم پاشیدگی شبکه‌های سنتی همسایگی و نوسازی شهری از جمله زمینه‌های اصلی‌ای هستند که شرایط جدیدی را پیش روی جوانان قرار داده‌اند. آنچه در کنار این روندها و متأثر از رشد رسانه‌های جدید قابل ذکر است، اهمیت بیش از پیش حفظ و تنوع

در اوقات فراغت برای نوجوانان و جوانان است. اولین نسل آشنا با کامپیوتر و تکنولوژی‌های ارتباطی را باید نسل فعلی، یعنی جوانان امروزی دانست. بسیاری از آنان می‌توانند با طیفی از نرم‌افزارهای کامپیوتری کار کنند و به راحتی آن را بفهمند و در کمترین زمان ممکن در هر نقطه‌ای از جهان دوست اجتماعی پیدا کرده و مرزها را بشکنند. این تحولات تکنولوژیک علاوه بر تأثیر بر ذوق، سلیقه و نیاز ارتباطی آنها، گذراندن اوقات فراغت، نگرش به خود و جامعه‌شان، نوع پوشش، و حتی نوع سفر و ... را نیز تحت تأثیر قرار داده است. پس با طرح این مباحث، به طور کلی می‌توان این‌گونه گفت که با ظهور مدرنیته و خلق تمایزات اجتماعی از طریق مصرف و نه طبقه، الگوهای مصرف متفاوت و به تبع آن سبک‌های گوناگون زندگی و انواع و الگوهای متفاوت گذران اوقات فراغت، منبعی برای تعریف و بازتعریف هویت‌های جدید در افراد شدند. به زعم بوردیو^۱ که برای تبیین جهان جدید و مدرنیته از مفاهیمی چون عادت‌واره^۲ (و نمود عینی آن منش^۳) و میدان^۴ استفاده کرد (جمشیدیها و پرستش، ۱۳۸۵: ۴)، موقعیت اجتماعی مشابه در میدان‌های مشابه و مستقل، ذائقه و سبک زندگی مشابهی می‌آفریند و الگوهای مصرف فرهنگی، طبقات اجتماعی مختلفی را بازتولید و نشانه‌گذاری می‌کنند (بوردیو، ۱۹۸۴). این موقعیت اجتماعی مبتنی بر میزان بهره‌مندی افراد از حجم و ترکیب انواع سرمایه‌ها (سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی) است و از آنجایی که دسترسی به این منابع و سرمایه‌ها در میان افراد به طور برابر توزیع نمی‌شود، یک سلسله مراتب اجتماعی از گزینه‌ها و فعالیت‌ها و فراغت‌های فرهنگی عامه‌پسند و نخبه‌پسند ظهور پیدا می‌کند (ترنر^۵، ۲۰۰۳: ۴۹۵) که برای مثال می‌توان به سبک‌های فراغتی متفاوتی اشاره کرد که در میان میدان‌های مختلف طرفداران خاص خود را دارد.

در واقع بر اساس نظر بوردیو در میدان‌های متفاوت و مستقل از هم، افراد بر اساس ترکیب و حجم سرمایه‌های مختلف که به صورت نابرابر توزیع شده است، با توجه به منطق آن میدان و عادت‌واره‌های نسبتاً یکسان‌شان، منش‌ها، رفتارها و فعالیت‌های مشابهی در هر میدان نسبت به میدان‌های دیگر انجام می‌دهند. در نتیجه افراد در موقعیت‌های مشابه در میدان‌های مشابه، عمدتاً باید ذائقه و سبک زندگی مشابهی داشته باشند و نمود عینی سبک‌زندگی (اوقات فراغت) آنها باید در قالب فراغت‌های خاصی شکل یابد. بدین جهت پژوهش حاضر سعی خواهد داشت در «میدان دانشگاه شیراز»، رابطه بین مالکیت یکی از انواع سرمایه‌های مطرح شده از جانب بوردیو را یعنی سرمایه اجتماعی دانشجویان را با الگوهای گذران اوقات فراغت آنها، به عنوان شاخصی از سبک زندگی، بررسی کند. در این مسیر سرمایه اجتماعی به صورت

¹. Bourdieu

². Habitus

³. Disposition

⁴. Field

⁵. Turner

سرمایه اجتماعی درون گروهی (غیررسمی) و برون گروهی (رسمی) مورد سنجش قرار خواهد گرفت. در واقع این پژوهش بدنبال آن است که مدعای نظری بوردیو را مورد آزمون قرار دهد. بدین ترتیب پژوهش حاضر سعی خواهد کرد این امر را بررسی نماید که مالکیت میزان متفاوتی از سرمایه اجتماعی (رسمی و غیررسمی) چه رابطه‌ای با نحوه گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های فراغت‌محور (به عنوان نمود و شاخص عینی سبک‌زندگی) دانشجویان دارد. در واقع بر اساس منطق نظریه بوردیو و تبیین نظری صورت گرفته از جانب وی، در پی پاسخ بدین سوال خواهیم بود که با داشتن نوع و میزان خاصی از سرمایه اجتماعی، الگوهای فعالیت‌های فراغتی دانشجویان در میدان دانشگاه شیراز به چه شکلی خواهد بود.

پیشینه تحقیق

مطالعات نظری و تجربی فراوانی در رابطه با سرمایه اجتماعی و اوقات فراغت در ایران صورت گرفته است. در واقع در رابطه با اوقات فراغت مطالعات بسیار زیادی در حوزه‌های متفاوت صورت گرفته است. همچنین مطالعات گوناگونی نیز در زمینه سرمایه اجتماعی که از جمله می‌توان به رابطه سرمایه اجتماعی و اقتصاد (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۳۹؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴۳)، سرمایه اجتماعی و خانواده (روحانی، ۱۳۸۹: ۷؛ روحانی ۱۳۹۰: ۸)، سرمایه اجتماعی و توسعه (کهنه پوشی و فردوسی، ۱۳۸۷: ۸۰؛ فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۷؛ برامکی یزدی، ۱۳۸۷: ۱۶۱)، سرمایه اجتماعی و دین (براتلو و صنایع، ۱۳۸۸: ۲۷)، سرمایه اجتماعی و امنیت (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۸۶)، سرمایه اجتماعی و بزهکاری (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، سرمایه اجتماعی و مسئولیت اجتماعی (ایمان و جلائی‌بخشنده، ۱۳۸۹: ۱۹)، سرمایه اجتماعی و حکمرانی (سردارنیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۵؛ پورمحمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵) و مطالعات بی‌شمار فراوان دیگری در حوزه‌های گوناگون اجتماعی اشاره کرد که در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. مطالعات نظری فراوانی نیز در رابطه با هر دو موضوع سرمایه اجتماعی و اوقات فراغت صورت پذیرفته است. اما آنچه قابل تامل است مطالعات تجربی داخلی اندکی درباره رابطه سرمایه اجتماعی و گذران اوقات فراغت صورت پذیرفته است. در این میان تنها مطالعات سرایی و همکاران (۱۳۹۱: ۲۵)، خواجه‌نوری و مقدس (۱۳۸۷: ۱۳۳)، غفاری (۱۳۸۷: ۷۷) و ربانی و شیری (۱۳۸۸: ۲۰۹) به طور تلویحی قابل ذکر هستند. این روند در میان مطالعات خارجی نیز حکم‌فرماست. به هر تقدیر مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر به ترتیب مطالعات داخلی و به ترتیب سال انتشار ارائه می‌شوند.

سرایی و همکاران (۱۳۹۱: ۲۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل موثر بر گذران اوقات فراغت در مناطق شهری ایران (مطالعه موردی: منطقه ۸ مشهد)»، سعی کرده‌اند عوامل اجتماعی (از جمله میزان سرمایه اجتماعی) تاثیرگذار بر میزان اوقات فراغت را در شهر مشهد بررسی کنند. روش تحقیق آنها، پیمایشی از

طریق ابزار پرسشنامه خودساخته بوده است و شیوه نمونه گیری آنها نیز، سهمیه‌ای بوده است. نتایج تحقیق آنها نشان داد که سرمایه اجتماعی تاثیر مثبتی بر میزان گذران اوقات فراغت دارد.

ربانی و شیری (۱۳۸۸: ۲۰۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران»، در پی آن بوده‌اند که به دو شیوه کمی و کیفی هویت اجتماعی افراد را بر اساس اوقات فراغت آنها بررسی کنند. در این مسیر نتایج آنها نشان داد که میان متغیرهای سرمایه اجتماعی و میزان گذران اوقات فراغت رابطه معناداری وجود داشته است.

خواجانه‌نوری و مقدس (۱۳۸۷: ۱۳۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباد»، در پی آن بوده‌اند که تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی را بر میزان گذران فراغت در بین دانش آموزان شهرستان آباد را بررسی کنند. در این مسیر آنها از نظریه بورديو به عنوان چارچوب نظری استفاده نمودند. روش آنها روش پیمایشی بوده است و نمونه مورد مطالعه آنها نیز ۵۰۰ دانش آموز دختر و پسر بوده‌اند. نتایج آنها نشان‌دهنده این واقعیت بوده است سرمایه اجتماعی از میان سایر اشکال سرمایه‌ای بیشترین تبیین کننده اوقات فراغت بوده است.

غفاری (۱۳۸۷: ۷۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «پیوند و تعامل اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی در میان جوانان ایرانی»، سعی کرده است رابطه تعاملی میان سرمایه اجتماعی و اوقات فراغت افراد را بر اساس داده‌های تجربی در دسترس تحلیل نماید. نتایج وی نشان می‌دهد که افرادی که فعالیت‌های فراغتی جمع‌گرایانه داشته‌اند در مقایسه با آنهایی که فعالیت‌های فراغتی شخصی و فردگرایانه داشته‌اند، از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار بوده‌اند. از جانب دیگر وی نتیجه می‌گیرد که مالکیت سرمایه اجتماعی مناسب و بالا منجر به افزایش فراغت‌های جمع‌گرایانه می‌شود. در واقع حضور در اماکن و مکان‌های عمومی و اجتماعی منجر به بازتولید و تقویت شاخص‌ها و اجزای سازنده سرمایه اجتماعی می‌شود.

موایر^۱ (۲۰۱۱: ۹۵۹) در مطالعه‌ای به بررسی سرمایه اجتماعی رسمی، غیر رسمی و عمودی در ایرلند شمالی پرداخته است. نتایج وی حاکی از این حقیقت بوده‌اند که عضویت افراد در شبکه‌های اجتماعی موجب افزایش سرمایه‌های اجتماعی رسمی، غیر رسمی و عمودی^۲ مردم می‌شود و علاوه بر آن رابطه بین اجتماعات مختلف را بهتر می‌کند.

پنارد و پوسینگ^۳ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «استفاده از اینترنت و سرمایه اجتماعی: قدرت پیوندهای مجازی» در پی آن بوده‌اند که چگونه کاربران اینترنت سرمایه اجتماعی‌شان را با فعالیت‌های برخط^۴ افزایش

^۱ . Muir

^۲ . Formal, Informal and linking Social capital

^۳ . Penard & Poussing

^۴ . Footnote

می‌دهند. نتایج آنها نشان داد که فعالیت‌های برخاسته از آنها با فعالیت‌های داوطلبانه و اعتماد رابطه مثبت معناداری داشته است.

می‌نارد و کلیبر^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای در رابطه با اوقات فراغت و تولید سرمایه اجتماعی در جامعه معاصر آمریکا، به این نتیجه رسیده‌اند که بر اساس مطالعات صورت گرفته در آمریکا، میزان سرمایه اجتماعی در حال کاهش است. در نتیجه آنها معتقدند که برای افزایش میزان سرمایه اجتماعی باید خدمات فراغتی اجتماع محور ارائه شود. به همین دلیل آنها نتیجه گرفته‌اند که جمعیت هدف باید نسل جوانان باشند و بیشتر خدمات فراغتی به آنها ارائه شود.

لیندسترم و همکاران^۲ (۲۰۰۳: ۲۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و اوقات فراغت: تحلیلی چندمرحله‌ای در مالمو^۳ سوئد»، سعی داشته‌اند تاثیر سرمایه اجتماعی و عوامل فردی را بر روی سطح و میزان اوقات فراغت در منطقه مالمو سوئد بررسی کنند. تحقیق آنها پیمایشی بوده است و در بین ۵۶۰۰ نفر انجام شده است. نتایج آنها نشان داد که عوامل فردی موجب کاهش اوقات فراغت افراد می‌شوند اما با افزایش سرمایه اجتماعی افراد میزان اوقات فراغت آنها افزایش می‌یابد.

چارچوب نظری

۱- سرمایه اجتماعی

مفهوم «سرمایه اجتماعی»^۴ در چند دهه اخیر بحث‌های فراوانی را در حوزه‌های مختلف علمی، از جمله جامعه‌شناسی (بوردیو^۵، ۱۹۸۶: ۲۴۱؛ لین^۶، کوک^۷ و بارت^۸، ۲۰۰۱: ۳؛ لین، ۲۰۰۴: ۳؛ بارت، ۲۰۰۵: ۱) در علوم سیاسی (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۵؛ پاتنام، ۱۹۹۳: ۱؛ پاتنام، ۲۰۰۷: ۱۳۷؛ کلمن^۹، ۱۹۸۸: ۹۵؛ فوکویاما^{۱۰}، ۲۰۰۱: ۷؛ فوکویاما، ۱۹۹۹: ۱؛ فوکویاما، ۲۰۰۲: ۲۳؛ فوکویاما، ۲۰۰۵: ۸۹) در اقتصاد (سرسوسیمو^{۱۱}، ۲۰۰۸: ۲۰۸؛ وولب^{۱۲}، ۲۰۰۸: ۳۷۳؛ کریشنا^{۱۳}، ۲۰۰۸: ۴۳۸) و سایر حوزه‌های مربوط برانگیخته است. اصطلاح سرمایه اجتماعی اولین بار توسط هانی فان^{۱۴} (۱۹۱۶) به کار برده شد (اجتهادی، ۱۳۸۶: ۴) اما برخی متفکرین

1. Maynard and Kleiber

2. Lindstrom

3. Malmo

4. Social Capital

5. Bourdieu

6. Lin

7. Cook

8. Burt

9. Coleman

10. Fukuyama

11. Cersosimo

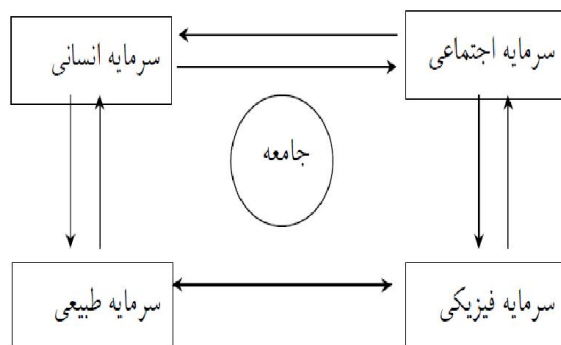
12. Wolleb

13. Krishna

14. Hani Fan

ژاکوب^۱ (۱۹۶۷)، پیرسون^۲ (۱۹۶۰) و لوری^۳ (۱۹۷۷) را آغازگر و مبدع سرمایه اجتماعی می‌دانند (وولکاک^۴، ۱۹۹۸: ۱۵۵). اما در هر حال این مفهوم در کارهای بوردیو (۱۹۸۳، ۱۹۸۰)، پاتنام (۱۹۹۳، ۱۹۹۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۷)، کلمن (۱۹۸۸، ۱۹۹۰) و بارت (۲۰۰۵) توسعه و گسترش پیدا کرد (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۴۳؛ غفاری، ۱۳۸۵: ۸۷).

سرمایه اجتماعی در شکل کلی آن به ارتباطات بین شبکه اجتماعی افراد اطلاق می‌شود. این شکل از سرمایه با اشکال مختلف آن (سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی و انسانی) ارتباط متقابلی دارد.



شکل شماره ۱: رابطه سرمایه اجتماعی با دیگر اشکال سرمایه، منبع: غفاری، ۱۳۸۵: ۸۵

لین (۱۹۹۹: ۳۰) نظریه‌های مربوط به سرمایه را در دو قسمت نظریه‌های کلاسیک و نظریه‌های سرمایه جدید (خود در سه حوزه سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه انسانی تقسیم می‌شود) دسته‌بندی می‌کند که در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

بوردیو سرمایه اجتماعی را «مجموع منابع واقعی یا بالقوه‌ای می‌داند که به مالکیت شبکه با دوامی از ارتباطات کاملاً نهادینه شده یا کمتر نهادینه شده بازشناسایی یا تصدیق متقابل متصل شده است» (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۸) تعریف کرده است. وی در همان‌جا سرمایه اجتماعی را «ساخته شده از تعهدات (ارتباطات) که در شرایط خاص قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و امکان این را دارد که در شکلی از عناوین طبقات بالا نهادینه شود» (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۳) عنوان می‌کند. وی در جایی دیگر با همکاری ووکانت^۵ سرمایه اجتماعی را «مجموع منابع واقعی یا مجازی می‌داند که بوسیله شبکه با دوامی از ارتباطات کاملاً نهادینه شده یا کمتر نهادینه شده بازشناسایی یا تصدیق متقابل به یک فرد یا گروه تعلق می‌گیرد» (بوردیو و ووکانت، ۱۹۹۲: ۱۱۹) تعریف می‌کند.

۱. Jakobe
 ۲. Pearson
 ۳. Loury
 ۴. Woolcock
 ۵. Wacquant

جدول ۱: نظریه‌های سرمایه

نظریه‌های سرمایه جدید			نظریه کلاسیک		
سرمایه اجتماعی		سرمایه فرهنگی	سرمایه انسانی	سرمایه	
بورديو، کلمن، پاتنام	لین، بارت، مارسدن، فلپ، کلمن	بورديو	اسکولز، بکر	مارکس	نظریه پرداز
همبستگی و بازتولید گروه	دسترسی و استفاده از منابع نهفته در شبکه- های اجتماعی	بازتولید نمادها و معانی غالب (ارزش‌ها)	انباشت ارزش اضافی کارگران	ارتباطات اجتماعی: استثمار کارگران توسط سرمایه‌داران (بورژوازی)	تبیین
سرمایه‌گذاری در تشخیص و تصدیق متقابل	سرمایه‌گذاری در شبکه‌های اجتماعی	درونی سازی یا شناخت نادرست ارزش- های غالب	سرمایه‌گذاری در عرصه دانش و مهارت‌های فنی	الف) قسمتی از ارزش مازاد بین ارزش مصرف (در بازار مصرف) و ارزش مبادله (در بازار کار-تولید) ب) سرمایه‌گذاری در تولید و گردش کالاها	سرمایه
فرد/گروه	فرد	فرد/طبقه	فرد	ساختاری (طبقات)	سطح تحلیل

منبع: لین، ۱۹۹۹: ۳۰ و غفاری، ۱۳۸۵: ۸۶

پاتنام اشکال سرمایه اجتماعی را منابع اخلاقی کلی یک جامعه می‌داند. سرمایه اجتماعی در نظر وی از عناصری تشکیل شده است که وجود این عناصر پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را برای هر کشور به ارمغان می‌آورد. این عناصر را پاتنام الزامات اخلاقی و هنجارها، ارزش‌های اجتماعی (به ویژه اعتماد) و شبکه اجتماعی (به ویژه انجمن‌های داوطلبانه) می‌داند. در واقع اگر کشور یا منطقه‌ای از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار باشد، در نزد پاتنام این بدان معناست که آن کشور یا منطقه از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است (عطار، ۱۳۸۷: ۱۳۴). وی از دو نوع سرمایه اجتماعی یاد می‌کند و آنها را از هم تمیز می‌دهد. سرمایه اجتماعی درون گروهی (غیر رسمی) یا محدود که ارتباط با دوستان، همکاران، همسایه‌ها و افراد نزدیک به شخص را در بر می‌گیرد و سرمایه اجتماعی برون گروهی (رسمی) یا تعمیم یافته که عضویت در سازمان‌های مدنی، شبکه و ... را در بر می‌گیرد (پاتنام، ۲۰۰۷: ۱۴۳).

جدول شماره ۲: مباحثات موجود در سرمایه اجتماعی

موضوع	مغایرت (مباحثه)	مشکل
دارایی جمعی یا فردی (کلمن، پاتنام)	سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی جمعی	ابهام در هنجارها اعتماد
باز یا بسته بود شبکه‌ها (بورديو، کلمن، پاتنام)	گروه باید بسته یا مترکم باشد	بینش جامعه طبقه‌ای و غیبت تحرک
کارکردی (کلمن)	سرمایه اجتماعی به وسیله تاثیرش در کنشی خاص نشان داده شده است	تکرار و حشو (علت به وسیله معلول تعیین شده است)
سنجش (کلمن)	غیر قابل سنجش	استدلالی است نه باطل شدنی

منبع: لین، ۱۹۹۹: ۳۳.

۲- اوقات فراغت

به طور کلی گذران اوقات فراغت به عنوان شاخصی از سبک زندگی، به سه دوره کلی تقسیم می‌شود. اولین دوره مربوط به دوره ماقبل شهرنشینی است (معادل جامعه سنتی و مکانیکی دورکیم) که نشان‌گر کار دایم هرروزه به صورت کامل بوده است (معمولا در خانه و خودکفایی خانوادگی) و اوقات فراغت معنایی نداشته است. دومین دوره مربوط به دوره شهرنشینی و انقلاب صنعتی است که به موجب آن در یک سر طیف اقشار ممتاز و طبقه بالا قابل مشاهده بودند که دارای اعمال فراغتی خاص خود بودند و در سوی دیگر اقشار مردم که محکوم به کار سخت و فاقد اوقات فراغت خاصی بودند. اما دوره سوم، همزمان با مدرنیته متاخر است که با سیاست‌های دولت رفاه نیز پیوند خورد. در این دوره بدنبال رفاه نسبی مردم، اوقات فراغت به جزیی از زندگی مردم از یک سوی و مبحثی آکادمیک از سوی دیگر تبدیل شد. مردم در این دوره با استفاده از توسعه تکنولوژی در عرض‌های جغرافیایی حرکت کردند و انواع متفاوتی از فعالیت‌های فراغتی رواج یافت (الوانی، ۱۳۷۶: ۴۴؛ علوی‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۹-۶۸).

البته در مورد پیدایش فراغت و دلیل انتخاب آن توسط انسان، سه نظریه بنیادی نیز وجود دارد. اولین نظریه حاکی از این بوده است که مبنای تفریح در دین بوده است. چنانچه در جامعه اولیه عملا رسوم مذهبی از بازی و تفریح جدا نبوده است و رقص و آواز و نمایش رابطه تنگاتنگی با سنن مذهبی داشته است. هاوس در این رابطه ریشه تفریح در زمان قدیم را در دین قرار داده است و معتقد است که با استیلای مسیحیت بر جهان، رابطه عکس شده است و پرداختن به تفریح به عنوان معصیت شناخته شد. دورکیم و جین هاریسن نیز از جمله طرفداران این نظریه هستند. این نظریه به طور کلی معتقد است که تفریح و فراغت در دین

سرچشمه دارد و عمل فراغتی نوعی رفتار اجتماعی است که در ایجاد وحدت میان اعضای یک گروه یا قبیله نقش به سزایی ایفا می‌کند. دومین نظریه در زمینه فراغت، فرضیه غریزی بودن بازی و تفریح است. از طرفداران این نظریه می‌توان به جیمز بالدوین، ویلیام مک‌دوگال و کارل گروس اشاره کرد. در این مسیر مک‌دوگال معتقد است که میل به بازی تا حدودی از غریزه جنگ‌جویی سرچشمه می‌گیرد و گروس معتقد است که کشش انسان برای بازی و تفریح بیشتر ناشی از سبک زندگی اوست که مبنای غریزی دارد. به نظر وی یک‌نواختی زندگی و نبودن نشاط در دنیای کنونی باعث اختناق می‌شود که نتیجه آن ایجاد کشش به عشق و تفریح است. سومین نظریه نیز مبتنی بر فرضیه استراحت و کسب لذت است. اسپنسر در این خصوص علت گرایش انسان به تفریح را رها شدن وی از نیروهای اضافی می‌داند و مارتین لاواروس روان‌شناس آلمانی، عامل تفریح را نیاز بشر به استراحت و جبران خستگی بیان می‌کند. توماس نیز میل رهایی از یکنواختی و به دست آوردن تجربیات را عامل پیدایش بازی و تفریح می‌شمارد. پاتریک نیز در همین مسیر فراغت را رهایی انسان از فعالیت مداوم و تلاش خسته‌کننده که نتیجه آن خستگی جسمی و روحی شدید افراد جامعه است، می‌داند. به طور کلی به نظر می‌رسد اوقات فراغت بر اساس نظریه‌های مطرح، بیشتر جنبه تفریحی، رفع خستگی از کار روزانه و لذت بردن است (منادی، ۱۳۸۶: ۱۴۳-۱۴۲).

۳- تلاقی سرمایه اجتماعی و اوقات فراغت در چارچوب تحلیلی نظری بورديو

بورديو به مجموعه‌ای از میدان‌های اجتماعی در جامعه اشاره می‌کند که این میدان‌ها صحنه مبارزه برای مالکیت و بازآفرینی منابعی هستند که مختص آنها است. وی سپس مفهوم سرمایه را در پیوند با این میدان‌ها مطرح می‌کند. در واقع نوع رابطه و موقعیت یک میدان بسته به دسترسی هر یک از افراد به منابع سرمایه‌ای در آن میدان وابسته است (بون‌ویتز، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۶؛ عطار، ۱۳۸۷: ۱۶۰). به بیان دیگر، دستگاه نظری بورديو ناظر بر میدان‌های نسبتاً مستقلی است که استقلال‌شان در نوع سرمایه‌ای انعکاس می‌یابد که برای هر میدان اهمیت دارد. در حقیقت به موازات تنوع یافتن سرمایه، میدان نیز تکثر می‌یابد (شوارتز^۱، ۱۹۹۷: ۱۲۲ نقل شده در جمشیدیها و پرستش، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۲). به هر صورت، تکوین میدان‌های اجتماعی گوناگون با تمایز سرمایه‌های متفاوت همراه بوده است. در این مسیر بورديو از چهار نوع سرمایه یاد می‌کند:

۱- سرمایه اقتصادی، یا دارایی سود بخش و بهره‌زا (پول و اشیا مادی‌ای که می‌تواند برای تولید کالاها

و خدمات به کار برده شود)

۲- سرمایه اجتماعی، یا موقعیت‌ها و روابط در گروه‌بندی‌ها و شبکه‌های اجتماعی

^۱. Swartz

۳- سرمایه فرهنگی، یا مهارت‌های بین فردی غیر رسمی، عادت‌ها، روش‌ها، سبک‌های زبانی، درجات آموزشی، سلیقه‌ها و سبک‌های زندگی و ...

۴- سرمایه نمادین، یا استفاده از نمادها باری مشروع نمودن دارایی سطح‌هایی متفاوت و شکل‌بندی‌های سه‌گونه دیگر سرمایه (ترنر^۱، ۲۰۰۳: ۴۹۶-۴۹۵).

به طور کلی سرمایه اجتماعی نزد بورديو عضویت در گروه‌های اجتماعی یا خانوادگی و خویشاوندی است که منفعتهای حاصل از این عضویت، نوعی از همبستگی را به وجود می‌آورد که همین همبستگی نیز حصول منفعتهای را ممکن می‌سازد (بورديو، ۱۳۸۱: ۱۴۹ نقل شده در مرشدی و شیری، ۱۳۸۷: ۱۹۶). مقدار سرمایه اجتماعی‌ای که هر عامل نیز به دست می‌آورد به اندازه شبکه ارتباطات موثر او بستگی دارد (بورديو، ۱۹۸۶: ۲۴۸).

پس همچنان‌که در بخش مقدمه نیز ذکر شد، بر اساس نظر بورديو، با توجه به خلق مفاهیمی مانند عادت‌واره (و نمود عینی آن منش) و میدان، موقعیت اجتماعی مشابه در میدان‌های مشابه و مستقل، ذائقه و سبک زندگی مشابهی می‌آفریند. این موقعیت اجتماعی مبتنی بر میزان بهره‌مندی افراد از حجم و ترکیب انواع سرمایه‌ها (سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی) است و از آنجایی که دسترسی به این منابع و سرمایه‌ها در میان افراد به طور برابر توزیع نمی‌شود، یک سلسله مراتب اجتماعی از گزینه‌ها و فعالیت‌ها و فراغتهای فرهنگی عامه‌پسند و نخبه‌پسند ظهور پیدا می‌کند (ترنر^۲، ۲۰۰۳: ۴۹۵) که برای مثال می‌توان به سبک‌های فراغتی متفاوتی اشاره کرد که در میان میدان‌های مختلف طرفداران خاص خود را دارد.

پس بر همین اساس می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که طبق نظر بورديو در میدان‌های متفاوت و مستقل از هم، افراد بر اساس ترکیب و حجم سرمایه‌های مختلف که به صورت نابرابر توزیع شده است، با توجه به منطق آن میدان و عادت‌واره‌های نسبتاً یکسان‌شان، منش‌ها، رفتارها و فعالیت‌های مشابهی در هر میدان نسبت به میدان‌های دیگر انجام می‌دهند. در نتیجه افراد در موقعیت‌های مشابه در میدان‌های مشابه، عمدتاً باید ذائقه و سبک زندگی مشابهی داشته باشند و نمود عینی سبک‌زندگی (اوقات فراغت) آنها باید در قالب فراغتهای خاصی شکل یابد. به این ترتیب، افراد در میدان دانشگاه شیراز، با توجه به میزان سرمایه اجتماعی در دسترس‌شان و عادت‌واره‌شان، منش‌های (نمود عینی عادت‌واره که مشخص‌کننده سبک زندگی و اوقات فراغت افراد است) خاصی را نشان می‌دهند. پس پژوهش حاضر در پی این خواهد بود که رابطه این دو را به صورت تجربی بررسی کند. این بدان معنا است که تحقیق حاضر سعی خواهد کرد تاثیر مالکیت میزان متفاوت سرمایه اجتماعی افراد در میدان علمی دانشگاه شیراز را بر روی الگوهای گذران

¹. Turner

². Turner

اوقات فراغت دانشجویان ارزیابی و بررسی نماید.

در این مسیر وولکاک و نارایان در تحلیل عملیاتی سرمایه اجتماعی بوردیو، آن را در سه بعد ۱. سرمایه اجتماعی محدود یا درون‌گروهی (غیر رسمی)، ۲. سرمایه اجتماعی اتصالی یا برون‌گروهی (رسمی) و ۳. سرمایه اجتماعی ارتباطی (رسمی)، سنجیده‌اند (آن‌همپشایر و همکاران، ۲۰۰۲، نقل شده در غفاری و انق، ۱۳۸۵: ۱۶۶). به همین ترتیب مطالعه حاضر متغیر سرمایه اجتماعی را در سه بعد ۱. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (غیررسمی) با ۶ گویه، ۲. سرمایه اجتماعی اتصالی/برون‌گروهی/رسمی (مشارکت در نهادهای دانشگاهی) با ۷ گویه و ۳. سرمایه اجتماعی ارتباطی/برون‌گروهی/رسمی (اعتماد به نهادهای عمومی) با ۱۰ گویه سنجیده است. شایان ذکر است مجموع سرمایه اجتماعی اتصالی با سرمایه اجتماعی ارتباطی نیز به طور کل به عنوان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (رسمی) با ۱۷ گویه مورد سنجش قرار می‌گیرد. گذران اوقات فراغت نیز بر اساس بنیان نظری که مطرح شد و آن را به صورت تفریح، دوری از خستگی کارهای روزانه و لذت بردن در نظر گرفت، به صورت‌های فراغت‌های مذهبی محور (شرکت در نمازهای جماعت، مطالعه کتاب‌های دینی در زمان فراغت و ...)، اینترنت محور (عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی مثل توئیتر، فیس‌بوک و ...، دانلود موسیقی و فیلم از اینترنت و ...)، موسیقی محور (موسیقی داخلی (شجریان، اصفهانی و ...) و خارجی (پاپ لس‌آنجلسی، هوی‌متال، راک و ...)، فرهنگی-اجتماعی محور (شرکت در کلاس‌های خطاطی، نقاشی، کامپیوتر، زبان و ...)، تفریحی-گردشی محور (گشت و گذار در پارک‌ها، خیابان‌ها، بیرون رفتن با دوستان و ...) رسانه‌محور (رسانه‌های داخلی (تلویزیون، رادیو و مجلات و روزنامه‌های داخلی) و خارجی (ماهواره، رادیو و مجلات و روزنامه‌های خارجی)) و ورزش محور (ورزش تنیس، بدمینتون، والیبال، بدن‌سازی و ...) ارایه خواهد شد. ارایه این دسته‌بندی با توجه به مطالعات متکثر در زمینه اوقات فراغت و ویژگی‌ها و برنامه‌های فراغت محور موجود در میدان دانشگاه شیراز طراحی شده است.

فرضیه‌های تحقیق:

۱. بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (غیررسمی) و انواع فعالیت‌های فراغتی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (رسمی) و انواع فعالیت‌های فراغتی رابطه معناداری وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر مبتنی بر روش کم و تکنیک پیمایش بوده و در آن از پرسشنامه به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. پرسشنامه شامل سوالاتی در سنجش سرمایه اجتماعی (در دو بعد ۱. سرمایه اجتماعی درون گروهی یا محدود (غیر رسمی) شامل ۶ گویه، ۲. سرمایه اجتماعی برون گروهی یا تعمیم یافته (رسمی) در دو قسمت الف) مشارکت در تشکلهای مختلف دانشجویی شامل ۷ گویه، ب) اعتماد به نهادهای اجتماعی شامل ۱۰ گویه)، و سوالاتی در سنجش انواع متفاوت فعالیت‌های فراغتی بود. در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ از میان پانزده هزار دانشجوی دانشگاه شیراز، با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه گزینشی با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۳۸۶ نفر بود. کل روند نمونه‌گیری، براساس نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک از روی لیست نام دانشجویان انجام شد. ذکر این نکته ضروری است که به دلیل اینکه فقط نام و نام‌خانوادگی، محل تولد و رشته دانشجویان در دسترس محققان قرار گرفت (هیچ‌گونه اطلاعات برای تماس برقرارکردن با دانشجو در اختیار محققان قرار نگرفت)، مصاحبه با آنان و تکمیل پرسش‌نامه‌ها با مشکلاتی مواجه بود که به‌همین منظور، نمونه به ۴۵۰ نفر ارتقا داده شد. از میان پرسش‌نامه‌های عودت داده‌شده، ۴۳۰ نمونه بررسی شد. لازم به ذکر است که اعتبار تحقیق، از طریق اعتبار صوری و پایایی آن، از طریق ضریب آلفای کرونباخ حاصل شد. ضرایب به‌دست‌آمده از آلفای کرونباخ، بیش از ۰/۷ بوده است و به صورت دقیق، در بخش یافته‌های تحقیق، در زیر طیف‌های مورد بررسی ذکر شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱ میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان مورد مطالعه را بر اساس سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی نشان می‌دهد. برای مشخص کردن میزان سرمایه اجتماعی افراد، دامنه تغییرات مشاهده شده در تحقیق در پنج گروه (خیلی پایین، پایین، متوسط، بالا، خیلی بالا) مورد دسته‌بندی قرار گرفت. با توجه به یافته‌های جدول، سرمایه اجتماعی درون گروهی افراد مورد مطالعه متوسط است. اما سرمایه اجتماعی برون گروهی (مشارکت در نهادهای دانشگاهی) بسیار پایین و سرمایه اجتماعی برون گروهی (اعتماد به نهادهای عمومی) در حد پایین بوده است. سرمایه اجتماعی برون گروهی کل یا سرمایه اجتماعی رسمی نیز پایین بوده است. همچنین میزان کل سرمایه اجتماعی افراد پایین بوده است. به طور کلی نیز سرمایه اجتماعی بالا یا خیلی بالا در میان دانشجویان مشاهده نگردید.

جدول ۱: میزان سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان

وضعیت سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان	میانگین		دامنه تغییرات		موارد
	میانگین نظری کل موارد	میانگین کلی مشاهده شده	حداکثر کل موارد	حداقل کل موارد	
متوسط	۲۰/۰۰	۱۹/۶۰	۳۰/۰۰	۷/۰۰	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی / غیر رسمی
خیلی پایین	۹/۰۰	۱۰/۵۳	۳۰/۰۰	۷/۰۰	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی / رسمی (مشارکت در نهادهای دانشگاهی)
پایین	۲۲/۰۰	۲۳/۰۳۷	۵۰/۰۰	۱۰/۰۰	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی / رسمی (اعتماد به نهادهای عمومی)
پایین	۳۳/۰۰	۳۳/۵۵	۷۴/۰۰	۱۷/۰۰	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی کل (مجموع سرمایه اجتماعی رسمی)
پایین	۵۳/۰۰	۵۳/۲۵	۹۷/۰۰	۲۷/۰۰	سرمایه اجتماعی کل

جدول شماره ۲ ماتریس همبستگی میان متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی / غیر رسمی و انواع فعالیت‌های فراغتی را نشان می‌دهد. همچنان‌که از نتایج جدول بر می‌آید، در میان گونه‌های فعالیت‌های فراغتی تنها فعالیت فراغتی تفریحی-گردشی محور ($\text{sig} = ۰/۰۰۶$) و فعالیت فراغتی ورزش محور ($\text{sig} = ۰/۰۰۲$) رابطه مثبت و معناداری با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی داشته‌اند.

جدول شماره ۲: رابطه بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی / غیر رسمی و فعالیت‌های فراغتی

ورزش محور	رسانه‌محور (خارجی)	رسانه‌محور (داخلی)	تفریحی-گردشی محور	فرهنگی-اجتماعی محور	موسیقی محور (خارجی)	موسیقی محور (داخلی)	اینترنت محور	مذهبی	
۰/۱۴۹	۰/۰۱۶	-۰/۰۲۴	۰/۱۳۴	۰/۰۹۶	-۰/۰۳۷	۰/۰۶۶	۰/۰۷۷	۰/۰۴۹	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی / غیر رسمی
۰/۰۰۲	۰/۷۳۸	۰/۶۲۵	۰/۰۰۶	۰/۰۵۱	۰/۴۵۳	۰/۱۷۶	۰/۱۱۷	۰/۳۱۶	سطح معناداری

جدول شماره ۳ ماتریس همبستگی میان متغیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی / رسمی و انواع فعالیت‌های فراغتی را نشان می‌دهد. همچنان‌که از نتایج جدول بر می‌آید، در میان گونه‌های فعالیت‌های فراغتی، فعالیت فراغتی مذهبی ($\text{sig} = ۰/۰۰۵$)، فعالیت فراغتی فرهنگی / اجتماعی محور ($\text{sig} = ۰/۰۰۹$)، فعالیت فراغتی تفریحی-گردشی محور ($\text{sig} = ۰/۰۱۹$)، فعالیت فراغتی رسانه محور داخلی ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) و فعالیت فراغتی ورزش محور ($\text{sig} = ۰/۰۰۲$) رابطه مثبت و معناداری با سرمایه اجتماعی برون‌گروهی / رسمی داشته‌اند.

همچنین فعالیت‌های فراغتی اینترنت محور ($\text{sig}= ۰/۰۰۰۰$) و رسانه محور خارجی ($\text{sig}= ۰/۰۰۰۰$) رابطه منفی و معناداری با سرمایه اجتماعی برون‌گروهی/رسمی داشته‌اند.

جدول شماره ۳: رابطه بین سرمایه اجتماعی برون‌گروهی/رسمی و فعالیت‌های فراغتی

ورزش محور	رسانه محور (خارجی)	رسانه محور (داخلی)	تفریحی - گردش محور	فرهنگی - اجتماعی محور	موسیقی محور (خارجی)	موسیقی محور (داخلی)	اینترنت محور	مذهبی	
۰/۱۵۸	-۰/۳۲۵	۰/۲۷۲	۰/۱۱۸	۰/۱۳۱	-۰/۰۸۸	۰/۰۶۴	-۰/۲۲۴	۰/۵۰۳	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی/رسمی (مجموع سرمایه اجتماعی اتصالی و ارتباطی)
۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹	۰/۰۰۹	۰/۰۸۳	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با این واقعیت آغاز گشت که فرایند تمایزگزاری بین افراد محصولی مدرن و در واقع حاصل جامعه ارگانیک است. این فرایند با «قدرت انتخاب در مصرف» بین انواع کالاهای مادی و معنوی، معنا می‌یابد. این امر بدان معنا است که در جامعه جدید افراد خود را با مصرف کردن بازنمایی می‌کنند و از تعیین‌کنندگی طبقه در معادلات اجتماعی کاسته شده است. پس فرایند مصرف متمایز نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی و به طور کلی سبک زندگی افراد در جامعه شده است. در این میان یکی از حوزه‌هایی که تمایزگزاری میان افراد را بیشتر و بهتر نشان می‌دهد و نشان‌دهنده سبک زندگی افراد شده است، نحوه گذران اوقات فراغت است. به همین دلیل مطالعات امروزی اوقات فراغت را یکی از شاخصه‌های اصلی سبک زندگی قلمداد می‌کنند.

اما به هر تقدیر عوامل متفاوتی بر نوع سبک زندگی افراد و به تبع آن نحوه گذران اوقات فراغت آنان تاثیر می‌گذارند. بوردیو، در تحلیل این امر معتقد است که موقعیت اجتماعی مشابه در میدان‌های اجتماعی مشابه، سبک زندگی و ذائقه یکسانی تولید می‌کند. اما در این میان نحوه کنش‌گری افراد در میدان‌های نابرابر به میزان بهره‌مندی افراد از حجم و ترکیب سرمایه‌های متفاوت بستگی دارد. یعنی افراد با داشتن حجم و ترکیب سرمایه‌های متفاوت، جایگاه‌های متفاوتی در میدان‌ها برای خود اخذ می‌کنند و به همین ترتیب بر اساس میزان سرمایه اجتماعی در دسترس سبک زندگی و به تبع آن اوقات فراغت خاصی خواهند داشت. به همین منظور تحقیق حاضر سعی داشته است به بررسی تجربی این مدعای نظری بوردیو بپردازد. در این

مسیر با استفاده از تکنیک پیمایش ۴۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز انتخاب شدند. با استفاده از چارچوب نظری بورديو، دو فرضیه اصلی مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان دادند که میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی/غیر رسمی دانشجویان در حد متوسط و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی/رسمی آنها در حد پایین بوده است. در میان گونه‌های فعالیت‌های فراغتی تنها فعالیت فراغتی تفریحی-گردشی محور و فعالیت فراغتی ورزش محور رابطه مثبت و معناداری با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی/غیر رسمی داشته‌اند. اما در سوی دیگر در میان گونه‌های فعالیت‌های فراغتی، فعالیت فراغتی مذهبی محور، فعالیت فراغتی فرهنگی/اجتماعی محور، فعالیت فراغتی تفریحی-گردشی محور، فعالیت فراغتی رسانه محور داخلی و فعالیت فراغتی ورزش محور رابطه مثبت و معناداری با سرمایه اجتماعی برون‌گروهی/رسمی داشته‌اند. همچنین فعالیت‌های فراغتی اینترنت محور و رسانه محور خارجی رابطه منفی و معناداری با سرمایه اجتماعی برون‌گروهی/رسمی داشته‌اند. نتایج حاصل با نتایج سرایی و همکاران (۱۳۹۱)، ربانی و شیرینی (۱۳۸۸)، خواجه‌نوری و مقدس (۱۳۸۷)، غفاری (۱۳۸۷)، موایر (۲۰۱۱) و لیندسترم و همکاران (۲۰۰۳) همسویی داشته است و با مطالعه پنارد و پوسینگ (۲۰۱۰) همسوئی نداشته است.

اما آنچه که در تحقیق حاضر جای بحث و بررسی بیشتر دارد این امر است که میزان سرمایه اجتماعی مطالعه‌شندگان در سطح پایینی بوده است و همین امر هشدار برای برنامه‌ریزان محسوب می‌شود. در این میان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در بعد مشارکت اجتماعی که شامل مشارکت در نهادهای متفاوت دانشگاهی است در حد بسیار پایینی گزارش شده است. اما با این وجود الگوی خاصی از نتایج ارائه شده است. رابطه میان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی/غیر رسمی و فعالیت‌های فراغتی در بعد تفریحی-گردشی محور و ورزش محور معنادار گشته است که نشان‌دهنده فعالیت‌های فردگرایانه هستند. در واقع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی/محدود/غیر رسمی که شامل اعتماد به دوستان و نزدیکان می‌شود، تنها با فعالیت‌های فراغتی فردگرایانه و شخصی رابطه معناداری برقرار می‌کنند. اما در مقابل سرمایه اجتماعی برون‌گروهی/رسمی هم با فعالیت‌های فراغتی فردگرایانه و هم فعالیت‌های فراغتی جمع‌گرایانه رابطه معنادار داشته است. این امر اهمیت بسیار زیاد سرمایه اجتماعی رسمی (اعتماد به نهادهای کلان و مشارکت در نهادهای اجتماعی) را می‌رساند. اما با این وجود این گونه سرمایه اجتماعی با فعالیت‌های فراغتی اینترنت محور و رسانه محور خارجی رابطه معنادار منفی‌ای داشته است. این امر نشان می‌دهد که افزایش اعتماد به نهادهای کلان و مشارکت در نهادهای دانشگاهی از میزان استفاده از رسانه‌های خارج محور و عضویت در شبکه‌های اینترنتی مجازی (فیس‌بوک، کلوب، توئیتر و ...) و دانلود موسیقی و فیلم و ... می‌کاهد. پس با توجه به این امور می‌توان به جرات گفت که نهادهای برنامه‌ریز دانشگاهی باید تمام تلاش خود را صرف

ارتقا سرمایه اجتماعی دانشجویان به ویژه سرمایه اجتماعی رسمی آنها نمایند. زیرا تجربیات عملی نگارندگان نیز نشان می‌دهد که نهادهای رسمی و مدنی دانشگاه که باید محلی برای مشارکت و اعتمادافزایی دانشجویان باشند، فاقد پویایی بوده و اغلب دانشجویان مایل به مشارکت در آنها نیستند. این امر از یک سو به دلیل عدم پویایی نهادهای مربوطه است و از سوی دیگر به دلیل عدم گسترش و فراگیر بودن این نهادهاست که بتواند اکثر سلاقی متفاوت را گرد هم آورد. به هر تقدیر باید این موانع را کنار نهاد، زیرا با افزایش سرمایه اجتماعی افراد از طریق گسترش نهادهای دانشگاهی متنوع، محبوب، سرمایه‌ساز و اعتمادافزا، می‌توان اوقات فراغت افراد را بیشتر به سوی فعالیت‌های جمع‌گرایانه‌تر سوق داد. بهترین راهکار نیز برای این امر تشکیل، راه‌اندازی، گسترش و تشویق نهادهای مدنی/دانشگاهی فراگیر و گسترده اجتماعی/فرهنگی/هنری و ... در بستر دانشگاه است. نهادهای علمی، هنری، اجتماعی و ... متکثر، مسابقه‌های جمعی، گفتگوهای جمعی و ... هر یک به نوعی می‌توانند افراد را از سطح فردی وارد عرصه اجتماعی نمایند و فعالیت‌های فراغت‌محور جمع‌گرایانه را منجر شوند. بدین طریق دانشجویان نه فراغت‌های خود را بیرون از دانشگاه و نه به صورت فردگرایانه و مجزا، بلکه در عرصه دانشگاه و محیط اجتماعی دانشگاه دنبال خواهد نمود. در واقع می‌توان هم فعالیت‌های ورزشی، هم هنری، رسانه‌ای و ... را به سطح اجتماع دانشگاهی ارتقا داد و با هدایت و برنامه‌ریزی‌های لازم، سرمایه اجتماعی افراد را بالا برد و از آن طریق اوقات فراغت جمعی را گسترش داد. زیرا فراغت‌های جمع‌گرایانه همچنان‌که مطالعات نظری و تجربی فراوانی نشان می‌دهد، موجب رشد، بالندگی و پویایی افراد می‌شود و از انزوا و گوشه‌گیری دانشجویان، به ویژه دانشجویان خوابگاهی که خارج از محیط خانه و خانواده زدگی می‌کنند، جلوگیری می‌کند.

منابع

- اباذری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱). «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه-شناختی هویت اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۷-۳.
- الوانی، مهدی (۱۳۷۶). «اثرپذیری یا اثرگذاری فرهنگی»، مجموعه مقالات نخستین همایش جهانگردی و جمهوری اسلامی ایران.
- ایمان، محمدتقی و وجیهه جلائیان بخشنده (۱۳۸۹). «بررسی و تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره پیاپی ۳۷، صص: ۴۲-۱۹.
- براتلو، فاطمه و محمد صنایع (۱۳۸۸). «درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال دهم، شماره ششم، صص: ۴۳-۲۷.
- برامکی‌یزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). «عوامل موثر توسعه، مطالعه موردی: سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه راهبرد یاس*، شماره ۱۶، صص: ۱۸۵-۱۶۱.

- بون ویتز، پاتریس (۱۳۹۰). درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، تهران: نشر آگه.
- پورجلی، ربابه و حسن سرایی (۱۳۸۶). «بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی دو قوم کرد و آذری، مورد مطالعه قوم کرد و آذری شهر ارمیه»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳، صص ۱۱۴-۸۶.
- پورمحمدی، محمدرضا و کریم حسین‌زاده دلیر و عیسی پیری (۱۳۸۹). «حکروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی-فضایی ارتباطی و فاعلیت مندی غیر اقتصادی، مطالعه موردی: کلان شهر تبریز»، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره اول، صص: ۵۲-۳۵.
- جمشیدیها، غلامرضا و شهران پرستش (۱۳۸۵). «دیالکتیک منش و میدان در نظریه پی‌یر بوردیو»، نامه علوم اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۱-۳۲.
- خواجه‌نوری، بیژن و علی اصغر مقدس (۱۳۸۸). «رابطه بین تصور از بدن و فرایند جهانی شدن، مطالعه موردی زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۱، صص ۲۴-۱.
- خواجه‌نوری، بیژن و علی اصغر مقدس (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباءه»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۵۶-۱۳۳.
- ربانی، رسول و حامد شیری (۱۳۸۸). «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال دوم، شماره ۸، صص ۲۴۲-۲۰۹.
- ربانی، رسول و حامد شیری (۱۳۸۸). «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، صص ۲۴۲-۲۰۹.
- ردادی، محسن (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی»، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۶، صص: ۱۹۶-۱۸۶.
- رفعت‌جابه، مریم (۱۳۸۶). «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال نهم، شماره ۳۸، صص ۱۷۱-۱۳۵.
- روحانی، حسن (۱۳۸۹). «خانواده، سرمایه خانواده و چالش‌های فرا روی ما»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۷، صص: ۳۳-۷.
- روحانی، حسن (۱۳۹۰). «سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه اجتماعی»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، صص: ۴۶-۷.
- سرایی، محمد حسین و مجتبی روستا و امیر اشنویی (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر گذران اوقات فراغت در مناطق شهری ایران (مطالعه موردی: منطقه ۸ مشهد)»، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره هفتم، صص ۳۸-۲۵.
- سردارنیا، خلیل‌الله و حسین قدرتی و علیرضا اسلام (۱۳۸۸). «تاثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی: شهرهای مشهد و سبزوار»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۶۵-۱۳۵.
- عطار، سعید (۱۳۸۷). «پی‌یر بوردیو از فضای اجتماعی تا سرمایه اجتماعی»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۵۲-۲۵۱، صص: ۱۶۵-۱۵۸.
- علمی، زهرا و محمد شارع‌پور و سید امیر حسین حسینی (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و چگونگی تاثیر آن بر اقتصاد»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۱، صص: ۲۹۶-۲۳۹.

- علوی زاده، امیر (۱۳۸۷). «بررسی چگونگی و نحوه گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۶۳ و ۶۴، صص ۸۳-۶۱.
- علیوردی‌نیا، اکبر و محمد شارع پور و مهدی ورمزیار (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری»، *پژوهش زنان*، سال ششم، شماره ۲، صص: ۱۳۲-۱۰۷.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۵). «مدخلی بر سرمایه اجتماعی»، *مجله سیاست داخلی*، سال اول، شماره اول، صص: ۷۵-۱۰۲.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷) «پیوند و تعامل اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی در میان جوانان ایرانی»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص ۹۴-۷۷.
- غفاری، غلامرضا و نازمحمد انق (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، سال اول، شماره اول، ویژه‌نامه تغییرات و توسعه اجتماعی در جنوب ایران، ۱۹۹-۱۵۹.
- فیروزآبادی، سید احمد و سید رسول حسینی و روح‌الله قاسمی (۱۳۸۹). «مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۷، صص: ۹۳-۵۷.
- قاسمی، وحید و کریم آذربایجانی و مهدی ادیبی سده و خالد توکلی (۱۳۸۹). «بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی برون گروهی بر توسعه اقتصادی در استان‌های ایران»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیستم، شماره ۵۹، صص: ۲۷۰-۲۴۳.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- کهنه پوشی، مصلح و آرام فردوسی (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه»، *فصلنامه زیربار*، سال دوازدهم، شماره ۶۵ و ۶۶، صص: ۹۳-۸۰.
- مرشدی، ابوالفضل و حامد شیری (۱۳۸۷). «مقایسه سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران و اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری دانشگاه‌های شهر تهران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، صص: ۲۲۵-۱۹۴.
- مقدس، علی اصغر و بیژن خواجه نوری (۱۳۸۴). «جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان، بررسی موردی در دو شهر شیراز و استهبان»، *مطالعات زنان*، سال سوم، شماره ۷، صص ۳۲-۵.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۸). «نقش دانش و شناخت در زندگی روزمره، مقایسه موردی: خانواده‌های تحصیل کرده و کم-سواد تهرانی»، *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۱۰-۶۷.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۶). «اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن مقایسه دو نسل»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۶۵-۱۳۱.

- Bourdieu, Pierre (1984). *Distinction*, London: Routledge and Kegan Paul.
- Bourdieu, Pierre (1986). "The Forms of Capital", in: *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, edited by John G Richardson, New York: Greenwood Press.
- Bourdieu, Pierre, and L. P. D. Wacquant (1992). *An Invitation to Reflexive sociology*, Chicago: University of Chicago Press.
- Boxman, E. A. W, P. M De Grant, and H. D Flap (1991). "The Impact of Social and Human Capital on the Income Attainment of Dutch Managers", *Social Networks*, Vol. 13, pp. 51 - 73.

- Burt, Ronald (1992). *Structural Holes: The Social Structure of Competition*, Cambridge: Harvard University Press.
- Burt, Ronald (1997). "The Contingent Value of Social Capital", *Administrative Science Quarterly*, Vol. 42, pp. 339-65.
- Burt, Ronald S. (2005). *Brokerage and Closure, An Introduction to Social Capital*, New York: Oxford University Press.
- Cersosimo, Domenico and Rosanna Nistico (2008). "Social capital in economics", in: *the handbook of social capital*, Ed by Dario Castiglione, Jan W. Van Deth and Guglielmo Wolleb, New York: Oxford University Press.
- Coleman, James S (1990). *Foundations of social theory*, Cambridge: Harvard University Press.
- Coleman, James S. (1988), "Social Capital in the Creation of Human Capital", *the American Journal of Sociology*, Vol. 94, pp. 95-120.
- Fukuyama, Francis (1995), *Social Capital and the Global Economy, in Trust: the social virtues and the creation of prosperity*, New York: The Free Press.
- Fukuyama, Francis (1997). "Social capital and civil society", *IMF Conference on Second Generation Reforms*, October, 1, 1999.
- Fukuyama, Francis (2001). "Social capital, civil society and development", *Third World Quarterly*, Vol. 22, No. 1, pp. 7– 20.
- Fukuyama, Francis (2002), "Social capital and Development, The Coming Agenda", *SAIS Review*, Vol. 22, No. 1, pp. 23-37.
- Krishna, Anirudh (2008). "Social capital and economic development", in: *the handbook of social capital*, Ed by Dario Castiglione, Jan W. Van Deth and Guglielmo Wolleb, New York: Oxford University Press.
- Lin, Nan (1999). "Building a Network Theory of Social Capital", *Connections*, Vol. 22, No. 1, PP. 28-51.
- Lin, Nan (2004). *Social Capital, A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge: Cambridge University Press (Virtual Publishing).
- Lin, Nan and Karen Cook and Ronald S. Burt (2001). *Social Capital, Theory and Research*, New York: Walter de Gruyter Inc.
- Lindstrom, M & M moghaddasi and J Merlo (2003). "Social Capital and Leisure Time Physical Activity: a Population Based Multilevel Analysis in Malmö, Sweden", *Journal of Epidemiol Community Health*, Vol. 57, pp: 23–28.
- Maynard, Stephen & Douglas Kleiber (2005). "Using Leisure to Build Social Capital in Later Life: Classical Traditions, Contemporary Realities, and Emerging Possibilities", *Eleventh Canadian Congress on Leisure Research, Hosted by Department of Recreation and Tourism Management*, Malaspina University-College.
- Morgan, Stephen L. (2000). "Social capital, capital goods, and the production of learning", *Journal of Socio-Economics*, Vol. 29, pp. 591-595.
- Muir, Jenny (2011). "Bridging and Linking in a Divided Society: A Social Capital Case Study from Northern Ireland", *Urban Studies*, Vol. 48, No. 5, pp. 959-976.
- Putnam, Robert D. (1993). "The Prosperous Community, Social Capital and Public Life", *the American Prospect*, vol. 4 no. 13, pp. 1-11.
- Putnam, Robert D. (1995). "Bowling Alone: America's Declining Social Capital", *Journal of Democracy*, January 1995, pp. 65-78.
- Putnam, Robert D. (2007). "E Pluribus Unum: Diversity and Community in the Twenty-first Century, The 2006 Johan Skytte Prize Lecture", *Scandinavian Political Studies*, Vol. 30 – No. 2, pp. 137-174.

- Smith, M. K (2009). "Social capital", *the encyclopedia of informal education*, Cited in: http://www.infed.org/biblio/social_capital.htm.
- Thierry Pénard & Nicolas Poussing (2010). "Internet Use and Social Capital: The Strength of Virtual Ties", *Journal of Economic Issues*, Vol. XLIV, No. 3, pp: 569-598.
- Turner, J.H. (2003). *The Structure of Sociological Theory*, New York: Wadsworth.
- Wolleb, Guglielmo (2008). "Introduction: Social capital and economic development", in: *the handbook of social capital*, Ed by Dario Castiglione, Jan W. Van Deth and Guglielmo Wolleb, New York: Oxford University Press.

Explore the relationship between social capital ownership and patterns of leisure

Case study: students of shiraz university

Mohammad Taghi 1man

Ph.D. professor in sociology, shiraz univetsity

Ali tohani

Ph.D student in sociology (social changes). Shiraz university

Today in modern societies, differentiation process and diagnosis of lifestyles between individuals and groups nor by their heredity bases of social, economic, political rather than a choice based on the consumption of material and spiritual and spiritual goods will be. Among the context of social inequality. People have different resources; different ways of lifestyle and consequently their leisure patterns would be formed. Ownership of social capital in the similar way forms their lifestyle and leisure. The present study attempted to empirically examine the theoretical point (Pierre Bourdieu's analysis plan). For this reason the "shiraz university" as a scientific social field were selected and 430 students by systematic random sampling were examined. The results showed that the amount of social capital available to students in both formal and informal social capital kind are medium and low; however, informal social capital with individualistic leisure patterns and collectivist leisure patterns both is correlated. The results were discussed and practical solutions were proposed. Keywords: leisure patterns, collectivist leisure patterns, individualistic leisure patterns, formal and informal social capital and lifestyle.